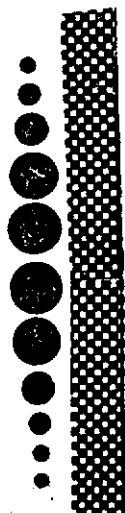




بازگشت بزندگی عجیب نیست

۵- وان تعجب فمعجب قولهم إذا كنا ترابا أإنا
لفى خلق جديد اولئك الذين كفروا برهيم واولئك
الاغلال فى اعناقهم و اولئك اصحاب النار هم فيها
خالدون .

اگر (از انکار آنان) تعجب می‌نمائی ، عجب گفتار آنها
است که (می‌گویند) : آیا وقتی ما خاک شدیم ، بار دیگر آفرینش
جدیدی خواهیم داشت ؟ آنان کسانی هستند که بقدرت خدای
خود کفر و ... دادند ، و غلها به گردنهای آنها است و همگی اهل
آتش هستند در آن همیشه خواهند بود .



نمی‌پوشد .
يك چنین عقیده ، با سوابقی که در میان تمام ملل
جهان دارد ، میتواند نشانه فطری بودن آن باشد
زیرا علائم و نشانه‌ای که برای امور فطری در اختیار
داریم ، همگی بر آن منطبق است ، و بسیار بعید
است يك چنین عقیده با این سابقه و قدمت ، با این شیوع
و گسترش ، بدون الهام از ندای فطرت ، در دل جامعه
بشری بوجود آید و شروع به رشد و نمو نماید .
شاید هر فردی در حالات خاصی ، احساس نماید
که رشته زندگی او با مرك وى گسسته نمی‌شود ، و

عقیده به روز باز پسین یکی از عقائد کهن جهان
بشریت است ، حتی آثار اعتقاد به آن در میان مللی
که تاریخ شش هزار ساله دارند ، بخوبی بچشم
می‌خورد .

در میان مذاهب معروف جهان ، مسأله بازگشت
بزندگی ابدی ، یکی از اصول اساسی همه آنها
شمرده میشود ، و هر مسلکی که در سر لوحه آن ،
اعتقاد به روز رستاخیز ؛ نباشد نمی‌توان به آن نام
مذهب نهاد ، و هدفهای تربیتی و اجتماعی «مذهب»
بدون اعتقاد به روز پاداش و کیفر ؛ جامه عمل

برطرف گردیده است.

مهمترین اشکال برای بشر عهد رسالت: امکان بازگشت به زندگی جدید بود و قرآن این مشکل را بطور مکرر از آنان نقل کرده در آیه مورد بحث چنین می فرماید:

«اگر از انکار آنان تعجب می کنی، عجب از گفتار و استدلال آنها است که میگویند: چگونه پس از آنکه خاک شدیم، مجدداً بزندگی نو باز می گردیم؟!»

عرب در دوران جاهلیت، روی زنگ و غیره را که بر فطرت او نشسته بود؛ اعتقاد به معاد را جز جنون، چیزی تصور نمیکرد و قرآن مجید این مطلب را از آنان چنین نقل می کند:

وقال الذین کفروا هل نذلکم علی رجل ینبؤکم اذا منقتم کل ممزق انکم لقی خلق جدید؛ افتری علی الله کذباً به جنة (سبأ - ۸ - ۷)

افراد کافر میگویند: آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که (میگوید) پس از آنکه ریز ریز شدید، آفرینش نوی خواهید داشت، آیا به خدا دروغ بسته، یا جنونی دارد؟

پاسخ قرآن در این باره

قرآن که کتاب هدایت، برای عموم مردم است، در مقام پاسخ از این ایراد، امکان بازگشت به زندگی جدید را، از راههای گوناگون ثابت نموده است. بیان همه این طرق در خور رساله مستقلى میباشد؛ و از میان آنها، به بیان دو وجه، اکتفا می ورزیم:

۱- قدرت بی پایان خدا

منکران امکان بازگشت به زندگی نوین در حقیقت منکر قدرت خدا میباشند، و خدای خود را آنچنانکه هست نشناخته اند.

مرکب وی آخرین حلقه تکامل وی نیست، و هرگز او برای زندگی چندروزه با انبوهی از مشکلات و سختیها آفریده نشده است، بلکه این شب تار، صبح روشنی دارد و مرکب وی دروازه فنا و نابودی نیست، بلکه دریچه ای بسوی زندگی پیوسته و ابدی می باشد. البته همانطور که در جای دیگر گفته ایم، ندای فطرت، فقط در انسان ایجاد توجه و بیداری می نماید، ولی نمی تواند، هادی و رهبر باشد؛ بلکه برای پرورش امور فطری؛ استادانی لازم است که شاخه های کج و مموج آنرا بزینند و آنرا از هر نوع انحراف و آمیختگی به خرافات پاک سازند.

از این نظر، اعتقاد بروز بازپسین در میان ملل جهان، با يك سلسله خرافات و افسانهها آمیخته گردیده؛ و وصلهها و پیرایه های ناجوری به آن بسته شده است.

بنابراین نباید تعجب کنیم وقتی بشنویم که برخی از ملل، در گذشته هنگام مركب بزرگان خود کاهنی را زنده، همراه او دفن میکردند، تا در آن سرا راهنمای او گردد؛ و یا دلچکی را زنده زنده به گور می نمودند؛ تا ندیم او شود (۱)

معاد و دانشهای بشری

اعتقاد به معاد، بسان عقیده به خدای جهان در پرتو تکامل علوم و گسترش دانش و بینش بشر در ردیف مسائل روشن و استوار قرار گرفته، و هر چه دانش پیش میرود، مشکلاتی که به دست و پای فکر بشر گذشته، پیچیده؛ و گروهی را دچار اشکال و تردید ساخته بود، بازمی گردد.

امروز در پرتو مسأله بقای ماده، و وجود روح مجرد از ماده، به بسیاری از سؤالهایی که اطراف مسأله معاد بود، پاسخ علمی گفته شده است، و آنچه را که فلسفه یونان باستان؛ و فلسفه مشاء، بر سر راه معاد جسمانی، مانع می پنداشت، بکلی (۱) دائرة المعارف ج ۱ ص ۹۳ ماده آخر

ناتوان نگردیده است ، قادر است که مردگان را زنده کند ، آری او بر هر چیزی قادر و توانا است .

از آنجا که افراد منکر ، با نفی امکان بازگشت به زندگی نو ، عموم و گسترش قدرت خداوند را انکار می نمایند و به یکی از صفات بارز او (قدرت) کفر ورزیده اند ، در آیه مورد بحث ، آنرا کافر به (شناسائی قدرت) معرفی می نماید می فرماید:

اولئك الذين كفروا بربهم : آنان

کسانی هستند که بخدای خود کفر ورزیده اند ، و درست او را نشناخته اند .

محدود ساختن قدرت خداوند ، علتی جز تشبیه خالق به مخلوق ، و قیاس آفریننده ، به انسان ناتوان ، ندارد .

اندیشه «قیاس» و «تشبیه» در باره خداشناسی بسان بند اسارت است که فکر را از هر نوع پرواز به سوی تنزیه خداوند از تجسیم و تحدید باز میدارد ، همچنانکه غل و زنجیر اسارت شخص اسیر را از هر نوع پیشرفت ، باز میدارد .

برای همین لحاظ در آیه مورد بحث منکران معاد را با صفت دیگر معرفی کرده است و آن اینکه :

اولئك الاغلال في اعناقهم :

آنان کسانی هستند که زنجیر بگردن دارند ، بنا بر این بعید نیست مقصود از این غل و زنجیر ، همان رشته های خرافات قیاس و تشبیه باشد ، که بسان غل گردن آنان را سنگین کرده و آنها را ، از دیدن اقیهه های بلند باز داشته است .

نخست باید توجه نمود که برپا کننده دستاویز همان خدائی است که اراده و قدرت او در هر ممکن نافذ است ، و بایک اراده و خواست به هر چیزی که عقلا محال و ممتنع نباشد ، جامه وجود میپوشاند و قدرت و توانائی او حدود مرزی ندارد ، هیچ چیزی نمیتواند مانع از نفوذ اراده او گردد ، و سلطنت و قدرت هر موجودی در دست او است .
خداوند در مقام معرفی دامنه قدرت خود چنین می فرماید :

انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له

كن فيكون ف سبحان الذي بيده ملكوت كل

شيء واليه ترجعون (س ۸۳ - ۸۲)

شان و کار خدای (بزرگ) این است که هر موقع (تحقق) چیزی را بخواهد به آن بگوید باش ، آن نیز تحقق می پذیرد . منزله است خدایی که سلطنت هر چیزی در دست او است ، و بسوی او باز میگردد .

منکران معاد باید توجه داشته باشند : خدایی که آفریننده زمین و آسمانها منظومه ها و کهکشانها است ، باردیگر میتواند مردگان را زنده کند و لباس حیات بر آنها بپوشاند .
قرآن مجید به این حقیقت در این آیه تصریح کرده و می فرماید :

اولم يروا ان الله الذي خلق السموات

والارض ولم يعي بخلقهن بقادر على ان يحيى الموتى بلى انه على كل شيء قدير (احقاف: ۳۳)

آیا نمی بینند ، برآستی خدائی که آسمانها و زمین را آفریده ، و از آفریدن آنها خسته و

۲ - توجه به زندگی نخستین

راہ دوم از نظر قرآن برای هدایت منکران معاد، توجه دادن آنان: به زندگی نخستین و آغاز آفرینش است، و از این طریق میتوان هر نوع شك و تردید را در موضوع بازگشت بزندگی نوین، برطرف نمود. زیرا خدائی که توانست، از هیچ، چیزی بیافریند و یخاک مرده، حیات ببخشد، باردیگر میتواند، اجزاء و ذرات بدن مرده را گرد آورده، و به آنها زندگی مجددی نیز عطا فرماید.

قرآن در آیات زیادی روی این موضوع تکیه نموده و می فرماید:

قل یحییها الذی انشأها اول مره و هو بکل خلق علیم یس : ۸۱): بگو خدائی که آنان را در آغاز خلقت آفرید، باردیگر آنها را زنده میکند؛ و او به اسرار آفرینش هر موجودی عالم و دانا است.

و نیز می فرماید: افهیمنا بالخلق الاول بل هم فی شك من خلق جدید (ق- ۱۵) آیا ما از آفرینش نخستین، خسته و یاناتوان شدیم، (که نسبت به بازگشت آنها عاجز شویم) بلکه آنان در باره آفرینش جدید در شك و تردید هستند.

سخن درباره معاد بیش از این است امید است در فرصتهای مناسب باز در این باره سخن بگوئیم

معنی حقیقی استقامتی!

موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل ضمن مصاحبه ای که بایکی از مجلات هفتگی پاریس انجام داده بود اظهار داشت:

هنگامی که من نه ساله بودم، بشدت بیمار شدم، مادرم وحشت زده تصمیم میگیرد مرا برای معالجه پیش یک پزشک معروف که چندین کیلومتر از محل اقامت ما فاصله داشت ببرد، در راه حال من وخیمتر میشود، من شروع بگریه کردن می کنم، در آن موقع ما، درست وسط صحرا بوده ایم، یک چوپان عرب که صدای گریه مرا می شنود کمی شیر بز، برایم می آورد و بمادرم میگوید که آرام باشد. زیرا حال من بطور قطع خوب خواهد شد، شاید اوجان مرا در آن موقع خطرناک نجات داده باشد بعدها که بزرگتر شدم روزی جوانان عرب مرا با سنگ مورد حمله قرار دادند، ولی یک عرب که نسال آنها را دور کرد و مرا به خانه اش برد و غذا و آب برایم آورد - (نقل از جرائد)

ولی در برابر آنها چه خدمت چه ...